

مقاله پژوهشی

تحلیل ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی در اندیشه رهبر معظم انقلاب با تأکید بر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت

داود داودی^۱، مسعود جعفری نژاد^۲، احمد آذین^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۲۴

چکیده: این پژوهش با هدف تحلیل ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی در اندیشه رهبر معظم انقلاب و تبیین نقش آن به عنوان بستر تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت انجام شده است. روش تحقیق، کیفی و از نوع توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از تحلیل محتوای بیانات رهبری در بازه زمانی ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۴ صورت گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اقتصاد مقاومتی در منظومه فکری ایشان، صرفاً یک مجموعه سیاست اقتصادی نیست، بلکه یک ساختار اجتماعی مقاوم متشکل از مؤلفه‌های درهم‌تنیده‌ای چون مردمی‌بودن اقتصاد، عدالت‌محوری، فرهنگ‌سازی مبتنی بر اصلاح سبک زندگی، دانش‌بنیانی، درون‌زایی، حاکمیت قانون و مدیریت جهادی است. این ساختار، اقتصادی پویا، تاب‌آور و درون‌زا را شکل می‌دهد که توانایی تبدیل تهدیدات به فرصت را دارد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که اقتصاد مقاومتی به عنوان راهبرد عملیاتی و عینی‌ساز الگوی کلان اسلامی-ایرانی پیشرفت عمل می‌کند و با تحکیم عدالت، استقلال اقتصادی، پیشرفت دانش‌بنیان و نهادسازی اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، بستر لازم برای تحقق آرمان‌های این الگو، از جمله تمدن‌سازی نوین اسلامی، را فراهم می‌سازد.

واژگان اصلی: اقتصاد مقاومتی، ساختار اجتماعی، الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، رهبر معظم انقلاب، تحلیل محتوا.

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، اصفهان، ایران. davouddavoudi434@gmail.com

^۲ گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول) Pegah420ma@iau.ac.ir

^۳ گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. azin@iaush.ac.ir

۱. مقدمه

در جهان معاصر، اقتصاد به مثابه عرصه‌ای راهبردی در تقابل‌های بین‌المللی عمل می‌کند. جمهوری اسلامی ایران در طول چهار دهه گذشته، همواره هدف تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی دشمنان قرار گرفته است. دشمنان نظام با درک ناکامی در براندازی از طریق جنگ نظامی، به جنگ اقتصادی به‌عنوان مؤثرترین ابزار برای ایجاد نارضایتی داخلی و تضعیف حاکمیت ملی روی آورده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۱۲). در چنین شرایطی، لزوم تدوین و اجرای الگوی اقتصادی بومی و مقاوم که بتواند هم‌زمان رشد اقتصادی را تأمین کند و هم آسیب‌پذیری کشور را در برابر تهدیدات کاهش دهد، به یک ضرورت انکارناپذیر تبدیل شد. رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، برای نخستین بار در سال ۱۳۸۹ مفهوم «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردند و در سال‌های بعد با تبیین سیاست‌های کلیان، این مفهوم را به یک گفتمان ملی و الگوی عملیاتی تبدیل نمودند. از منظر ایشان، اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که «هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۲۰). این اقتصاد، منفعل و درون‌گرا نیست، بلکه اقتصادی فعال، پویا و درون‌زا است که بر تولید ملی، خودکفایی در کالاهای استراتژیک، کاهش وابستگی به نفت و تقویت بخش خصوصی تأکید دارد.

از سوی دیگر، «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» به عنوان نقشه راه کلان جمهوری اسلامی ایران برای نیل به تمدن نوین اسلامی طراحی شده است. این الگو، مبتنی بر مبانی اسلامی و متناسب با شرایط تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی ایران است و پیشرفت همه‌جانبه کشور را با محوریت عدالت و معنویت دنبال می‌کند (ذوعلم، ۱۳۹۳: ۴۵). پرسش اصلی این است که اقتصاد مقاومتی به عنوان یک راهبرد اقتصادی، چه نسبتی با این الگوی کلان دارد و ساختار اجتماعی آن چگونه می‌تواند بستر تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را فراهم کند؟ فرضیه اصلی این پژوهش عبارت است از: «به نظر می‌رسد ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی در اندیشه رهبر انقلاب (متشکل از مؤلفه‌هایی مانند عدالت اقتصادی، فرهنگ جهادی، مشارکت مردمی، اعتماد به نفس ملی و دانش‌محوری) بستر لازم و مکمل راهبردی برای تحقق اهداف کلان الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (به ویژه در محورهای عدالت، استقلال، پیشرفت و تمدن‌سازی) فراهم می‌کند».

ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی، ناظر بر شبکه روابط، نهادها، ارزش‌ها و کنشگرانی است که بستر لازم برای اجرای سیاست‌های اقتصادی را شکل می‌دهند. این ساختار شامل مؤلفه‌هایی مانند عدالت اقتصادی، فرهنگ کار، مشارکت مردمی، اعتمادبه‌نفس ملی و نخبه‌گرایی است که در بیانات رهبری به‌طور مکرر مورد تأکید قرار گرفته‌اند (اسفندیاری صفا و دهقان، ۱۳۹۵: ۶۴). تحلیل این ساختار و نشان دادن پیوند آن با آرمان‌های الگوی پیشرفت، می‌تواند گامی در جهت نظریه‌پردازی بومی و ارائه راهکارهای عملی برای عبور از شرایط بحران باشد. هدف این مقاله، تحلیل ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی در اندیشه رهبر انقلاب و تبیین نقش آن به عنوان بستر و مکمل تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است. فرض بر این است که اقتصاد مقاومتی، صرفاً یک مجموعه سیاست اقتصادی نیست، بلکه یک «ساختار اجتماعی مقاوم» است که با تقویت سرمایه اجتماعی، فرهنگ جهادی، عدالت‌خواهی و استقلال ملی، مسیر پیشرفت ایرانی-اسلامی را هموار می‌سازد. این مقاله در چهار بخش اصلی تنظیم شده است: پس از مقدمه، پیشینه تحقیق مرور می‌شود؛ سپس روش تحقیق، اهمیت، اهداف و فرضیه‌ها ارائه می‌گردد؛ و در نهایت، مبانی نظری و مفاهیم اصلی مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲. پیشینه تحقیق

اسفندیاری صفا و دهقان (۱۳۹۵) در مقاله «مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی)» با استفاده از روش تحلیل محتوا به استخراج و دسته‌بندی عناصر تشکیل‌دهنده اقتصاد مقاومتی از بیانات رهبری می‌پردازند. آنان بر این باورند که اقتصاد مقاومتی در منظومه فکری ایشان صرفاً یک مجموعه سیاست اقتصادی نیست، بلکه یک «گفتمان» فراگیر و «سبک زندگی» است که تمامی ابعاد حیات اقتصادی جامعه را دربر می‌گیرد. مؤلفه‌های کلیدی استخراج‌شده در این پژوهش شامل مردمی‌بودن اقتصاد، عدالت‌محوری، دانش‌بنیانی، درون‌زایی و مدیریت جهادی است. نویسندگان تأکید می‌کنند که این مؤلفه‌ها در ارتباطی ارگانیک و تقویت‌کننده‌یکدیگر قرار دارند و موفقیت الگو منوط به توجه همزمان به همه این ابعاد است. کلانتر و امرایی (۱۳۹۱) در ارائه خود با عنوان «اقتصاد مقاومتی، تولید داخل و حمایت از کار و سرمایه ایرانی» بر جنبه‌های عملیاتی و اجرایی اقتصاد

مقاومتی تمرکز کرده‌اند. از دیدگاه آنان، محور اصلی تحقق این الگو، ایجاد چرخه‌ای پایدار میان سه عنصر «تولید داخلی»، «سرمایه ایرانی» و «مصرف کالای داخلی» است. این پژوهش براین باور است که شکستن وابستگی به درآمدهای نفتی و خام‌فروشی تنها در سایه حمایت همه‌جانبه از صنایع و کشاورزی داخلی و همچنین هدایت سرمایه‌های ملی به سمت بخش مولد امکان‌پذیر است. نویسندگان با نگاهی راهبردی، بر لزوم تدوین قوانین حمایتی، ایجاد امنیت برای سرمایه‌گذاران و فرهنگ‌سازی در جهت تغییر ترجیحات مصرف‌کنندگان تأکید می‌ورزند. اگرچه این اثر بر اهمیت بسترسازی نهادی و قانونی صحنه می‌گذارد، اما تحلیل خود را عمدتاً معطوف به نقش دولت و سیاست‌گذاری می‌کند و کنشگری فعال سایر نهادهای اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی را به عنوان جزئی جدایی‌ناپذیر از ساختار اجرایی، کمتر مورد کاوش قرار می‌دهد. قدیم ملالو و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیق خود با عنوان «اقتصاد مقاومتی؛ الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» به دنبال ریشه‌یابی مبانی نظری اقتصاد مقاومتی در آموزه‌های اقتصاد اسلامی هستند. این پژوهش براین باور است که اصول حاکم بر اقتصاد مقاومتی، از قبیل عدالت، منع ربا، تأکید بر انفاق و وقف، و اولویت دادن به رفع نیازهای محرومان، همگی ریشه در متون اسلامی و سیره معصومین دارد. ذوعلم (۱۳۹۳) در کتاب «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت؛ پیش‌نیازها، اصول و آسیب‌ها» به تبیین جامعی از مبانی، آرمان‌ها و الزامات این الگوی کلان می‌پردازد. از دیدگاه وی، الگوی پیشرفت باید هم بر پایه‌های متقن اسلامی استوار باشد و هم شرایط تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی منحصربه‌فرد ایران را به دقت مورد توجه قرار دهد. ذوعلم پیشرفت را فرآیندی چندبعدی، پیچیده و تکاملی می‌داند که ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و علمی را به صورت توأمان و متوازن دربر می‌گیرد. به باور او، محوریت عدالت به معنای توزیع عادلانه فرصت‌ها و مواهب توسعه، وجه تمایز اصلی این الگو از سایر الگوهای توسعه است. وی هشدار می‌دهد که تقلیل پیشرفت به شاخص‌های کمی صرف یا کپی‌برداری از مدل‌های خارجی، به شکست این مسیر خواهد انجامید. جعفری و قیصری (۱۴۰۰) در کتاب «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و اقتصاد مقاومتی» به طور خاص به تحلیل رابطه این دو مفهوم کلیدی می‌پردازند. از نگاه آنان، اقتصاد مقاومتی را می‌توان به مثابه «راهبرد سطح دوم» و مکمل عملیاتی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در حوزه اقتصاد دانست. نویسندگان استدلال می‌کنند که آرمان‌های کلی مندرج در الگوی پیشرفت، مانند

عدالت، استقلال و پیشرفت همه‌جانبه، در فضای پرتهدید و تحریم کنونی، نیازمند یک نقشه راه اقتصادی مقاوم هستند. رستمزاده و پناهی (۱۳۹۴) در مقاله «نسبت‌شناسی «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» و اقتصاد مقاومتی» به بررسی نقاط اشتراک و افتراق این دو گفتمان می‌پردازند. آنان نتیجه می‌گیرند که اقتصاد مقاومتی را می‌توان جلوه‌ای عینی و کاربردی از الگوی پیشرفت در شرایط ویژه کنونی و تحت تأثیر فشارهای خارجی دانست. به باور نویسندگان، اقتصاد مقاومتی مبنای ارزشی الگوی پیشرفت را در عرصه اقتصاد متجلی می‌سازد و با تبدیل آرمان‌هایی مانند استقلال و عدالت به سیاست‌هایی مشخص مانند خودکفایی در کالای اساسی و حمایت از محرومان، پلی بین نظریه و عمل ایجاد می‌کند. مارتین و سانلی (۲۰۱۵) در مقاله «در باب مفهوم تاب‌آوری اقتصادی منطقه‌ای: مفهوم‌سازی و تبیین» به ارائه چارچوبی نظری برای تحلیل توانایی اقتصادها در مواجهه با بحران‌ها می‌پردازند. آنان بر این باورند که تاب‌آوری صرفاً یک ویژگی فنی نیست، بلکه عمیقاً تحت تأثیر بافت نهادی، ساختار اجتماعی و کیفیت حکمرانی هر منطقه قرار دارد. نویسندگان نقش نهادهای رسمی (مانند قوانین و دولت) و نهادهای غیررسمی (مانند هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اعتماد) و همچنین سرمایه اجتماعی را در توانایی یک سیستم اقتصادی برای جذب شوک، تطبیق با شرایط جدید و تحول به سمت وضعیت مطلوب، حیاتی می‌دانند.

۳. روش تحقیق

این پژوهش از نوع تحقیقات کیفی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی است. روش اصلی مورد استفاده، «تحلیل محتوا»ی متون است. جامعه آماری تحقیق، بیانات، سخنرانی‌ها و پیام‌های رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در بازه زمانی ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۴ (با تأکید بر سال‌های ابلغ و تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی) است. این بیانات از پایگاه‌های رسمی اطلاع‌رسانی استخراج شده‌اند. همچنین از مقالات و کتب علمی منتشر شده در حوزه اقتصاد مقاومتی و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به عنوان منابع ثانویه استفاده شده است. فرایند تحلیل، شامل شناسایی مفاهیم کلیدی، طبقه‌بندی مضامین، استخراج مؤلفه‌های ساختار اجتماعی و در نهایت، تبیین رابطه این مؤلفه‌ها با اهداف الگوی پیشرفت است.

۴. مبانی نظری و مفاهیم اصلی

۴.۱. اقتصاد مقاومتی: از مفهوم تا ساختار اجتماعی

رهبر معظم انقلاب، اقتصاد مقاومتی را اقتصادی تعریف می‌کنند که در عین حفظ روند رشد، کم‌ترین آسیب‌پذیری را از ترفندهای دشمن داشته باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۲۰). این تعریف، دو وجه «پویایی» و «مقاومت» را توأمان داراست. بر اساس تحلیل بیانات ایشان، اقتصاد مقاومتی صرفاً یک مدل اقتصادی فنی نیست، بلکه یک «گفتمان» و «سبک زندگی» است که بر رفتارهای اقتصادی دولت، بنگاه‌ها و آحاد مردم تأثیر می‌گذارد (اسفندیاری صفا و دهقان، ۱۳۹۵: ۶۲).

ساختار اجتماعی این اقتصاد را می‌توان در چند لایه تحلیل کرد:

لایه نهادی: شامل نهادهای حاکمیتی (دولت، قوه قضائیه، مجلس) و نهادهای مردمی (شرکت‌های دانش‌بنیان، تعاونی‌ها، بخش خصوصی) است که باید قوانین و محیط کسب‌وکار را برای تولید، نوآوری و رقابت سالم فراهم کنند. رهبری بر «حاکمیت قانون»، «تنقیح قوانین اقتصادی» و «حمایت از بخش خصوصی» تأکید ویژه دارند (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: ۱۳).

لایه ارزشی-فرهنگی: قلب ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی را تشکیل می‌دهد. ارزش‌هایی مانند «قناعت»، «پرهیز از اسراف و تجمل»، «ارج‌دهی به فرهنگ کار»، «اعتماد به نفس ملی» و «علم‌گرایی» از عناصر کلیدی این لایه هستند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۱۲؛ ۱۳۹۴: ۱۶). این ارزش‌ها، جهت‌دهنده مصرف، تولید و سرمایه‌گذاری هستند.

لایه کنشگری: به نقش‌آفرینی سه ضلع «دولت»، «تولیدکنندگان» و «مردم» اشاره دارد. رهبری رابطه این سه ضلع را تعاملی و حیاتی می‌داند. مردم با ترجیح مصرف کالای داخلی، دولت با ایجاد بستر حقوقی و حمایتی، و تولیدکنندگان با ارتقای کیفیت و قیمت مناسب، حلقه‌های تکمیل‌کننده این ساختار هستند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱).

۴.۲. الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت: چارچوب کلان

الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، سند چشم‌انداز بلندمدتی است که غایت آن رسیدن به تمدن نوین اسلامی است. این الگو از دو جزء شکل گرفته است: «اسلامی» بودن که ناظر بر مبانی، ارزش‌ها و اهداف الهی است، و «ایرانی» بودن که ناظر بر شرایط تاریخی، جغرافیایی و

فرهنگی خاص ایران است (خامنه‌ای، ۱۳۸۹). عدالت، پیشرفت، استقلال، آزادی، معنویت و عقلانیت از آرمان‌های محوری این الگو به شمار می‌روند. پیشرفت در این الگو، یک‌بعدی و صرفاً اقتصادی نیست، بلکه همه‌جانبه و متوازن است.

۴,۳. نسبت ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی با الگوی پیشرفت

پیوند این دو مفهوم را می‌توان در چند محور ترسیم کرد:

عدالت به مثابه پیوندگاه: عدالت اجتماعی و اقتصادی، از مؤلفه‌های محوری در هر دو گفتمان است. رهبری تصریح می‌کنند: «از همه شاخص‌ها مهم‌تر، شاخص کلیدی عدالت اجتماعی است. ما رونق اقتصادی را بدون تأمین عدالت اجتماعی قبول نداریم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۲۲). اقتصاد مقاومتی با مؤلفه‌هایی مانند «ریشه‌کنی فقر»، «کاهش فاصله طبقاتی» و «توزیع عادلانه امکانات»، بستر تحقق عدالت در الگوی پیشرفت را فراهم می‌کند. استقلال ملی به عنوان هدف مشترک: وابستگی اقتصادی، آفت استقلال سیاسی است. اقتصاد مقاومتی با شعار «تولید ملی»، «خودکفایی در کالاهای اساسی» و «کاهش وابستگی به نفت»، درصدد تقویت «استقلال اقتصادی» است. رهبری استقلال اقتصادی را پایه استقلال سیاسی می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۸۷). این هدف، کاملاً با آرمان استقلال در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت هم‌سو است.

پیشرفت دانش‌بنیان و درون‌زا: تأکید اقتصاد مقاومتی بر «دانش‌محوری»، «فعالیت شرکت‌های دانش‌بنیان» و «ایجاد زنجیره تولید علم» (اسفندیاری صفا و دهقان، ۱۳۹۵: ۱۴)، سازوکار تحقق «پیشرفت» در الگوی کلان را مشخص می‌کند. پیشرفتی که متکی بر نیروی داخلی و عزت‌آفرین باشد.

فرهنگ جهادی و معنویت به عنوان موتور محرکه: روح حاکم بر اقتصاد مقاومتی، «مدیریت جهادی» و «اخلاص» است. این روحیه، همان «معنویت» مورد تأکید در الگوی پیشرفت است که می‌تواند انرژی لازم برای فائق آمدن بر مشکلات و تحقق آرمان‌های بزرگ را فراهم کند. در جمع‌بندی می‌توان گفت، ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی (شامل نهادها، ارزش‌ها و کنشگران بر پایه عدالت، استقلال، علم و معنویت)، تنها یک مجموعه سیاستی برای عبور از بحران نیست، بلکه «الگوی عملیاتی و بسترساز» تحقق آرمان‌های والاتر الگوی

اسلامی-ایرانی پیشرفت است. این ساختار، جامعه را از حالت انفعال در برابر تحریم خارج می‌کند و به سمت وضعیتی فعال، خلاق و پیشرو هدایت می‌کند که همان مسیر «پیشرفت» ترسیم شده در نقشه راه کلان نظام است.

۵. یافته‌ها

۵-۱- مبانی مفهومی اقتصاد مقاومتی در اندیشه رهبر معظم انقلاب

اقتصاد مقاومتی به عنوان یک الگوی اقتصادی بومی و برآمده از فرهنگ اسلامی-ایرانی، نخستین بار به طور رسمی در گفتمان رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) طرح و تبیین گردید. ایشان با تشخیص تحول پارادایمی در ابزارهای فشار دشمنان نظام جمهوری اسلامی از عرصه‌های نظامی و امنیتی به عرصه اقتصادی، ضرورت طراحی الگویی اقتصادی که بتواند در برابر این تهاجمات ایستادگی کند را گوشزد نمودند. از منظر ایشان، اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که ضمن حفظ روند رو به رشد، آسیب‌پذیری کشور در برابر تهدیدات و ترفندهای دشمنان را به حداقل می‌رساند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۲). این تعریف، دو وجه سلبی و ایجابی دارد: وجه سلبی آن، کاهش آسیب‌پذیری و وابستگی، و وجه ایجابی آن، تداوم رشد و پویایی اقتصادی است. در حقیقت، اقتصاد مقاومتی به معنای انزوا و بستن دروازه‌های اقتصادی نیست، بلکه به معنای طراحی اقتصادی هوشمند، پویا و درون‌زا است که بتواند حتی در شرایط فشار نیز به پیشرفت خود ادامه دهد. ایشان تأکید می‌کنند که اقتصاد مقاومتی «مطالبه عمومی» و یک «وظیفه شرعی و ملی» است و تحقق آن نیازمند عزمی جهادی و مشارکت همگانی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۱). بررسی بیانات ایشان نشان می‌دهد که اقتصاد مقاومتی صرفاً یک مجموعه سیاست اقتصادی کوتاه‌مدت برای عبور از بحران تحریم نیست، بلکه یک «الگوی راهبردی» و «نقشه جامع» برای حرکت اقتصاد کشور در بلندمدت است که ریشه در مبانی اسلامی و اقتضائات ملی دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲). این الگو در پاسخ به نیازهای بومی و در تقابل با الگوهای وارداتی توسعه طراحی شده و هدف نهایی آن، تحقق استقلال اقتصادی، عدالت اجتماعی و قرار گرفتن کشور در مسیر پیشرفت متوازن و همه‌جانبه است.

۵-۲- مؤلفه‌های کلیدی ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی از منظر رهبری

ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی بر پایه‌ای از ارزش‌ها، نهادها، نقش‌ها و روابط اجتماعی شکل می‌گیرد که هدف آن مقاوم‌سازی اقتصاد در مقابل تهدیدات خارجی و همچنین اصلاح کاستی‌های داخلی است. بر اساس تحلیل بیانات رهبر معظم انقلاب، می‌توان مؤلفه‌های اصلی این ساختار اجتماعی را در چند محور کلیدی دسته‌بندی نمود.

۱-۲-۵- مردمی بودن اقتصاد (مشارکت عمومی)

مهم‌ترین رکن ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی، مردمی کردن اقتصاد است. اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که محوریت آن با مردم است، نه دولت. به بیان رهبر انقلاب، اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی که «تکیه‌گاهش نیروی داخلی، ابتکار جوان‌ها، فعالیت ذهن‌ها و بازوها در داخل» باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۲۳). این به معنای فعال‌سازی همه ظرفیت‌های ملی، از سرمایه‌های کوچک خرد گرفته تا شرکت‌های بزرگ، در فرآیند تولید است. مشارکت مردم در این الگو، فراتر از نقش مصرف‌کننده، در جایگاه «تولیدکننده»، «سرمایه‌گذار»، «مخترع» و «ناظر» معنا می‌یابد. تأکید بر «حمایت از کار و سرمایه ایرانی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱) و «تولید ملی» به عنوان حلقه اساسی پیشرفت، گواه بر این مدعاست. این نگاه، اقتصاد را از انحصار دولت و بخش محدودی از سرمایه‌داران خارج کرده و آن را به عرصه‌ای برای فعالیت و خلاقیت آحاد مردم تبدیل می‌کند. چنین ساختاری از یک سو با بسیج منابع پراکنده داخلی، پایه‌های اقتصاد را مستحکم می‌سازد و از سوی دیگر، با ایجاد حس مالکیت و مسئولیت‌پذیری در میان مردم، پشتوانه اجتماعی قدرتمندی برای مقاومت در برابر فشارها فراهم می‌آورد.

۲-۲-۵- عدالت محوری به عنوان ستون فقرات

عدالت اجتماعی نه تنها یک آرمان اسلامی، بلکه شرط لازم پایداری و مقبولیت هر نظام اقتصادی، از جمله اقتصاد مقاومتی است. رهبر معظم انقلاب به کرات تأکید کرده‌اند که «از همه شاخص‌ها مهم‌تر، شاخص کلیدی و مهم عدالت اجتماعی است» و «رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ وجه قبول نداریم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۲۰). در ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی، عدالت چند بعد دارد: نخست، عدالت توزیعی که به معنای کاهش فاصله طبقاتی و توزیع عادلانه ثروت و فرصت‌ها در سطح ملی و بین مناطق مختلف جغرافیایی است (خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۱). دوم، عدالت فرصت‌ها که به معنای ایجاد زمینه برای

بهره‌مندی همگان از امکانات پیشرفت و مبارزه با تبعیض است. سوم، عدالت در مصرف که ناظر بر پرهیز از اسراف و تجمل‌گرایی و حرکت به سمت الگوی مصرف متعادل و قناعت‌محور است. اقتصاد مقاومتی که فاقد عدالت باشد، نه تنها مشروعیت اجتماعی خود را از دست می‌دهد، بلکه به تشدید شکاف‌ها و نارضایتی‌ها دامن می‌زند و در نهایت تاب‌آوری ملی را در برابر دشمن تضعیف می‌کند. بنابراین، سیاست‌هایی مانند حمایت از محرومان، ایجاد اشتغال مولد، مبارزه با فساد اقتصادی و توزیع عادلانه خدمات زیربنایی، جزئی لاینفک از ساختار اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شوند.

۳-۲-۵- فرهنگ‌سازی و اصلاح سبک زندگی

رهبر انقلاب، اقتصاد مقاومتی را صرفاً مقوله‌ای فنی و اقتصادی نمی‌دانند، بلکه بر بُعد فرهنگی و نرم آن تأکید ویژه دارند. ایشان معتقدند بدون ایجاد تحول در «سبک زندگی» و «فرهنگ عمومی»، اقتصاد مقاومتی به نتیجه مطلوب نخواهد رسید (خامنه‌ای، ۱۳۹۳). مؤلفه‌های فرهنگی کلیدی در این ساختار عبارتند از:

اصلاح الگوی مصرف و پرهیز از اسراف: تغییر نگاه از مصرف‌گرایی و تجمل‌پرستی به سمت مصرف عقلانی، پرهیز از ریخت و پاش و اسراف در منابع ملی و شخصی.

قناعت و ساده‌زیستی: ترویج ارزش قناعت به عنوان «مالی که هرگز پایان نمی‌پذیرد» و دوری از فرهنگ اشرافی‌گری.

اعتماد به نفس ملی و خودباوری: تقویت این باور که ملت ایران با تکیه بر توان داخلی می‌تواند بر مشکلات غلبه کند و نیازهایش را تأمین نماید.

ارج نهادن به فرهنگ کار و کارآفرینی: تبدیل کار و تلاش به یک «گفتمان» و «ارزش» در جامعه و مبارزه با روحیه تنبلی و بی‌اعتنایی به کار مولد (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: ۴).

ترجیح کالای داخلی: ایجاد حس افتخار و مسئولیت برای خرید و استفاده از تولیدات داخلی به عنوان بخشی از «جهاد اقتصادی».

این مؤلفه‌های فرهنگی، زیرساخت نرم و روان‌شناختی اقتصاد مقاومتی را تشکیل می‌دهند و بدون آن، اجرای سیاست‌های سخت‌افزاری با دشواری مواجه خواهد شد.

۴-۲-۵- دانش محوری و نخبه‌پروری

از دیدگاه رهبری، اقتصاد مقاومتی نمی‌تواند اقتصادی مبتنی بر فروش منابع خام و نیروی کار ارزان باشد. بلکه باید اقتصادی «دانش‌بنیان» و «خلاقیت‌محور» باشد. ایشان «دانش محوری» را یکی از مشخصه‌های بسیار مهم اقتصاد مقاومتی برمی‌شمارند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۲۰). این امر مستلزم:

فعال‌سازی شرکت‌های دانش‌بنیان: حمایت از واحدهای اقتصادی که محصول آنها حاصل تحقیق، توسعه و نوآوری است.

ایجاد زنجیره کامل تولید علم: ارتباط تنگاتنگ و همافزای بین مراکز تحقیقاتی، دانشگاه‌ها و بخش صنعت.

حمایت و حفظ نخبگان: ایجاد فضای آرامش و فرصت برای نخبگان علمی و جلوگیری از فرار مغزها. ایشان تصریح می‌کنند: «چرا ما باید یک نخبه علمی را کمتر از یک نخبه ورزشی بها بدهیم؟» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷: ۵).

علم‌گرایی: نگاه به علم به عنوان ابزاری برای کسب اقتدار و ثروت ملی. اقتصاد دانش‌بنیان، وابستگی به فناوری وارداتی را کاهش داده و با ایجاد ارزش افزوده بالا، باعث رشد درون‌زا و پایدار اقتصادی می‌شود.

۴-۲-۵- درون‌زایی و کاهش وابستگی

هدف غایی اقتصاد مقاومتی، دستیابی به «استقلال اقتصادی» است. رهبر انقلاب وابستگی به درآمد نفت را «یکی از سخت‌ترین آسیب‌های اقتصادی» کشور می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۲۰). بنابراین، ساختار اقتصاد مقاومتی باید به سمتی طراحی شود که:

تولید داخلی تقویت شود: با تأکید بر «خودکفایی در محصولات حیاتی» مانند غذا و دارو و حرکت به سمت تکمیل زنجیره تولید داخلی.

از خام‌فروشی پرهیز شود: با استحصال و فرآوری منابع معدنی داخل کشور و جلوگیری از خروج ارزش افزوده.

تراز تجاری مثبت ایجاد شود: از طریق توسعه صادرات غیرنفتی و کاهش واردات کالاهای غیرضروری دارای مشابه داخلی.

اقتصاد درون‌زا، تصمیم‌گیری‌های اقتصادی کشور را از نوسانات بازار جهانی و فشارهای سیاسی بیگانگان مصون می‌دارد.

۶-۲-۵- حاکمیت قانون و بسترسازی حقوقی

اجرای اقتصاد مقاومتی نیازمند یک چارچوب حقوقی شفاف، باثبات و حمایت‌گر است. رهبری بر «حاکمیت قانون» و «تنقیح قوانین اقتصادی» تأکید دارند (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: ۴). این شامل حذف قوانین مزاحم و متناقض، تصویب قوانین تسهیل‌کننده کسب و کار، برخورد قاطع با مفاسد اقتصادی و ایجاد امنیت حقوقی برای سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان است. بدون امنیت قضایی و ثبات قانونی، سرمایه‌گذاری مولد شکل نمی‌گیرد و روحیه جهادی در عرصه اقتصاد به یأس تبدیل می‌شود.

۷-۲-۵- مدیریت جهادی و نقش حکومت

در ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی، اگرچه محوریت با مردم است، اما نقش حکومت (به معنای عام قوه مجریه، مقننه و قضائیه) بسیار حیاتی و هدایت‌گر است. نقش حکومت نه به معنای تصدی‌گری و اداره مستقیم اقتصاد، بلکه به معنای «مدیریت جهادی»، «بسترسازی»، «نظارت» و «حمایت» است. این نقش شامل موارد زیر می‌شود:

سیاست‌گذاری هوشمند: طراحی سیاست‌های پولی، مالی، تجاری و صنعتی همسو با اهداف اقتصاد مقاومتی.

حمایت از تولید: تأمین نقدینگی و سرمایه در گردش برای بنگاه‌های تولیدی، مبارزه با رکود و برخورد با زمین‌خواران واحدهای تولیدی.

شفاف‌سازی و مبارزه با فساد: ایجاد فضای رقابتی سالم و عادلانه.

هماهنگی بین قوا: همکاری قوه مقننه در قانون‌گذاری مناسب و قوه قضائیه در برقراری عدالت قضایی برای حمایت از اقتصاد مقاومتی.

رهبری بر این نکته تأکید دارند که مسئولان باید با روحیه‌ای جهادی، دلسوزانه و با دوری از تنبلی و راحت‌طلبی اداری، زمینه‌های اجرای این الگو را فراهم آورند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱).

۳-۵-نسبت ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی با الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت

الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، نقشه جامع و بلندمدتی برای حرکت نظام جمهوری اسلامی به سمت تمدن نوین اسلامی است. این الگو بر دو پایه «اسلامی بودن» (اتکا به مبانی و ارزش‌های دینی) و «ایرانی بودن» (توجه به شرایط تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی ایران) استوار است (خامنه‌ای، ۱۳۸۹). اقتصاد مقاومتی به عنوان یک الگوی اقتصادی، رابطه‌ای ارگانیک و چندلایه با این الگوی کلان پیشرفت دارد.

۱-۳-۵-اقتصاد مقاومتی به عنوان جلوه‌ای عینی و عملیاتی از الگوی پیشرفت در

حوزه اقتصاد

الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت یک چارچوب نظری و هنجاری کلان است که غایات و آرمان‌های نظام را ترسیم می‌کند. اقتصاد مقاومتی، ترجمان و تبدیل این آرمان‌ها به «برنامه‌های عملیاتی» و «راهبردهای اجرایی» در عرصه اقتصاد است. به عبارت دیگر، اگر الگوی پیشرفت، «نقشه کلی حرکت» کشور است، اقتصاد مقاومتی، «نقشه راه حرکت اقتصادی» کشور در شرایط کنونی و با توجه به تهدیدات موجود است (ذوعلم، ۱۳۹۳: ۴۵). اقتصاد مقاومتی نشان می‌دهد که چگونه می‌توان در بستر ارزش‌های اسلامی و با تکیه بر توانمندی‌های ملی، اقتصادی پویا، عادلانه و مقاوم در برابر دشمن ساخت. بنابراین، اقتصاد مقاومتی نه تنها با الگوی پیشرفت در تضاد نیست، بلکه به عنوان یکی از مهم‌ترین «راهبردهای سطح دوم» و عملیاتی‌کننده آن محسوب می‌شود که مسیر تحقق اهداف کلان الگو را در حوزه اقتصاد هموار می‌سازد.

۲-۳-۵-اشتراک در مبانی و غایات ارزشی

هر دو الگو، ریشه در مبانی اسلامی دارند. عدالت محوری، استکبارستیزی، عزت طلبی، توجه به محرومان، تأکید بر عقلانیت و علم گرایی همراه با ارزش های اخلاقی، از اصول مشترک هر دو است. اقتصاد مقاومتی با شعار «ما می توانیم» و تأکید بر خودباوری، در راستای تحقق «عزت اسلامی» مندرج در الگوی پیشرفت گام برمی دارد. همچنین، هدف نهایی هر دو، رسیدن به «استقلال کامل» و تشکیل «تمدن نوین اسلامی» است. اقتصاد مقاومتی با تمرکز بر استقلال اقتصادی، پایه های مادی این تمدن سازی را تقویت می کند. رهبر انقلاب تصریح می کند که پیشرفت بدون عدالت فاقد ارزش است و عدالت بدون پیشرفت ناقص است (خامنه ای، ۱۳۸۵). اقتصاد مقاومتی دقیقاً در پی تحقق این تلفیق است: پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت اجتماعی.

۳-۳-۵- اقتصاد مقاومتی به عنوان مکمل و قید سازنده الگوی پیشرفت

الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به دنبال ایجاد نظام اقتصادی پویا و پایدار است. اقتصاد مقاومتی با تأکید بر «مقاوم سازی» و «کاهش آسیب پذیری» این نظام، یک «قید امنیتی» و «پدافندی» به آن می افزاید. به این معنا که در طراحی هر برنامه پیشرفت اقتصادی، باید ملاحظات مقاومتی (مانند کاهش وابستگی، تنوع بخشی به شرکای تجاری، تأمین امنیت اقلام راهبردی) نیز مورد توجه قرار گیرد. از این منظر، اقتصاد مقاومتی مکمل الگوی پیشرفت است و اطمینان می دهد که دستاوردهای پیشرفت، تحت تأثیر شوک های خارجی از بین نروند (جعفری و قیصری، ۱۴۰۰: ۲۰۵). این نگاه، الگوی پیشرفت را از حالت آرمانی صرف خارج کرده و آن را به طرحی عملیاتی در جهان پرتلاطم کنونی تبدیل می کند.

۳-۳-۶- توجه به بومیت و اقتباس هوشمندانه

هر دو الگو بر «ایرانی بودن» تأکید دارند؛ یعنی طراحی سازوکارها با توجه به شرایط خاص تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی ایران. اقتصاد مقاومتی، نمونه عینی این بومیت در عرصه اقتصاد است. این الگو نه تقلید کورکورانه از مدل های لیبرال سوسیالیستی است و نه رد مطلق دستاوردهای بشری. بلکه رویکردی «انتقادی-انتخابی» دارد. از سویی بر استفاده از علم و فناوری روز دنیا تأکید می کند (مانند اقتصاد دانش بنیان) و از سوی دیگر، شکل و

محتوای آن را با ارزش‌های اسلامی و منافع ملی ایران تطبیق می‌دهد. این همان نگاهی است که در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت نیز مورد تأکید است: «از همه آنچه در دنیای معرفت وجود دارد استفاده خواهیم کرد، اما چشم بسته و کورکورانه چیزی را از جایی نخواهیم گرفت» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹).

۴-۵- پیامدهای تحقق ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی بر الگوی اسلامی-ایرانی

پیشرفت

با عنایت به مبانی نظری و الزامات عملی اقتصاد مقاومتی در اندیشه رهبر معظم انقلاب، تحقق ساختار اجتماعی این اقتصاد نوین، پیامدهای راهبردی و عمیقی بر فرآیند تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت خواهد داشت. این الگو به عنوان سند بالادستی و نقشه راه توسعه کشور، چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ و فراتر از آن را ترسیم می‌کند و تحقق آن مستلزم بسترسازی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. اقتصاد مقاومتی با شالوده‌ای اجتماعی که بر مشارکت حداکثری مردم، تقویت سرمایه اجتماعی، عدالت‌محوری و خوداتکایی استوار است، می‌تواند به عنوان موتور محرک و بستر تحقق این الگو عمل کند. در این بخش، سه پیامد کلیدی تحقق ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی بر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت مورد تحلیل قرار می‌گیرد: تحکیم عدالت اجتماعی و انسجام ملی، تأمین استقلال اقتصادی به عنوان پیش‌نیاز استقلال سیاسی، و ایجاد پیشرفت پایدار و دانش‌بنیان.

۴-۵-۱- تحکیم عدالت اجتماعی و انسجام ملی

تحقق ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی، مستلزم بازتوزیع عادلانه فرصت‌ها، منابع و منافع در سطح جامعه است. در اندیشه رهبر انقلاب، اقتصاد مقاومتی صرفاً یک راهبرد اقتصادی نیست، بلکه «اقتصاد مردمی» است که عدالت اجتماعی را در کانون خود قرار می‌دهد (خامنه‌ای، ۱۳۹۱). این رویکرد با تأکید بر مشارکت همه اقشار جامعه در تولید و بهره‌برداری از ثروت، به کاهش فقر، شکاف طبقاتی و محرومیت‌زایی می‌انجامد. بر این اساس، عدالت اجتماعی به عنوان یک اصل هستی‌شناختی در اقتصاد اسلامی، در ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی متبلور می‌شود. باید افزود توزیع عادلانه منابع و جلوگیری از انحصار، سبب تقویت

احساس تعلق اجتماعی و اعتماد عمومی به نظام سیاسی می‌گردد. زمانی که شهروندان خود را ذی‌نفع در نظام اقتصادی ببینند، پایداری آنان به نظم اجتماعی و حمایت از کلیت نظام افزایش می‌یابد. این فرآیند به نوبه خود «سرمایه اجتماعی» را تقویت می‌کند. سرمایه اجتماعی به عنوان شبکه‌های اعتماد و همکاری میان افراد و نهادها، سنگ‌بنای انسجام ملی و همبستگی اجتماعی است (پاتنام، ۱۹۹۳: ۱۶۷). اقتصاد مقاومتی با تشویق به تعاون، تشکیل شرکت‌های تعاونی مردمی و تقویت نهادهای محلی، بسترهای عینی برای رشد سرمایه اجتماعی را فراهم می‌آورد.

از سوی دیگر، ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی با تکیه بر فرهنگ و ارزش‌های بومی و اسلامی، به تقویت هویت جمعی و انسجام فرهنگی کمک می‌کند. رویکرد بومی‌سازی که در هستی‌شناسی اقتصاد مقاومتی مورد تأکید است، به معنای اتکا به درون‌مایه‌های فرهنگی و تاریخی جامعه ایران است. این امر موجب می‌شود تا الگوی پیشرفت، نه یک الگوی وارداتی و بیگانه، بلکه برآمده از خواست و نیازهای واقعی جامعه باشد و در نتیجه پذیرش عمومی و مشروعیت اجتماعی بیابد. تحکیم انسجام ملی در گرو ایجاد احساس مشترک درباره آینده و مسیر پیشرفت است که اقتصاد مقاومتی با شفاف‌سازی اهداف و مشارکت‌جوییشان، به آن تحقق می‌بخشد. در مجموع، تحکیم عدالت اجتماعی و انسجام ملی ناشی از اقتصاد مقاومتی، پایدارترین پشتوانه برای اجرای موفقیت‌آمیز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت فراهم می‌کند، چرا که پشتیبانی و مشارکت فعال توده‌های مردم را به دنبال خواهد داشت.

۲-۴-۵- تأمین استقلال اقتصادی به عنوان پیش‌نیاز استقلال سیاسی

یکی از اهداف کلیدی اقتصاد مقاومتی در کلام رهبر انقلاب، دستیابی به «استقلال اقتصادی» است. ایشان تأکید دارند که «اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید بتواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲). استقلال اقتصادی به معنای کاهش وابستگی‌های حیاتی به خارج، خوداتکایی در تولید کالاها و خدمات راهبردی، و مقاوم بودن در برابر نوسانات و شوک‌های بین‌المللی است. ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی با بسیج ظرفیت‌های داخلی، ارتقای فرهنگ تولید و مصرف کالای داخلی و تقویت بخش‌های مولد خصوصی و تعاونی، اساس استقلال اقتصادی را پی‌ریزی می‌کند. در نظریه‌های روابط بین‌الملل، استقلال

سیاسی بدون پشتوانه استقلال اقتصادی، امری شکننده و ناپایدار تلقی می‌شود (گلنر، ۱۹۸۳: ۴۵). کشوری که در تأمین نیازهای اساسی خود مانند غذا، دارو، انرژی و فناوری‌های حیاتی به بیرون وابسته باشد، در عرصه سیاست خارجی نیز ناچار به اغماض و انفعال خواهد بود. تجربه تحریم‌های گسترده علیه جمهوری اسلامی ایران به وضوح نشان داد که دشمنان، اقتصاد را به عنوان «عقبه آشیل» نظام هدف گرفته‌اند. اقتصاد مقاومتی با تبدیل تهدید تحریم به فرصت برای شکوفایی داخلی، این نقطه ضعف را به نقطه قوت تبدیل می‌کند. تحقق این استقلال اقتصادی، مستلزم ایجاد ساختار اجتماعی مبتنی بر فرهنگ جهادی، روحیه خودباوری و اهتمام به علم و نوآوری است. در چنین ساختاری، نخبگان، کارآفرینان و عموم مردم به جای چشم‌داشتن به بیرون، به حل مسائل داخلی و افزایش بهره‌وری درون‌زا می‌پردازند. این امر به نوبه خود «قدرت ملی» کشور را افزایش می‌دهد. همان‌طور که در سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت نیز بر «دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه» تأکید شده است، اقتصاد مقاومتی با تأمین استقلال اقتصادی، زیرساخت لازم برای دستیابی به این جایگاه را فراهم می‌سازد. در حقیقت، استقلال اقتصادی به دست‌آمده از طریق اقتصاد مقاومتی، نه تنها از استقلال سیاسی حفاظت می‌کند، بلکه امکان اتخاذ مواضع فعال و اثرگذار در نظام بین‌الملل را نیز به کشور می‌دهد و تحقق گفتمان الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را در عرصه جهانی ممکن می‌سازد.

۳-۴-۵- ایجاد پیشرفت پایدار و دانش‌بنیان

الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، پیشرفتی «پایدار» و «دانش‌بنیان» را جست‌وجو می‌کند. پایداری به معنای رشدی است که نیازهای نسل حاضر را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده در تأمین نیازهایشان برآورده سازد (کمیسون برانلند، ۱۹۸۷: ۴۳). دانش‌بنیانی نیز به معنای قرار دادن علم، فناوری و نوآوری در قلب فرآیند تولید و توسعه است. ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی به دلیل ویژگی‌های درون‌زا و برون‌نگر خود، امکان محقق ساختن این دو ویژگی کلیدی را دارد. اقتصاد مقاومتی با تأکید بر «تولید ملی» و «صیانت از منابع»، مانع از تخریب محیط زیست و به هدر رفتن سرمایه‌های طبیعی برای دستیابی به رشد مقطعی می‌شود. در هستی‌شناسی اقتصاد اسلامی که اقتصاد مقاومتی از آن الهام می‌گیرد، انسان خلیفه

خدا بر زمین است و موظف به آبادانی و حفظ تعادل در طبیعت. این نگرش، در تقابل با نگرش سلطه‌جویانه غرب بر طبیعت قرار دارد و مبنایی برای توسعه پایدار فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، اقتصاد مقاومتی با اولویت‌دهی به رفع نیازهای اساسی داخلی کاهش وابستگی، از الگوی مصرف زدگی و رشد نامتوازن که در برخی الگوهای وارداتی دیده می‌شود، اجتناب می‌ورزد. در بعد دانش‌بنیانی، اقتصاد مقاومتی بر «پیشرفت برون‌زا» از طریق تحقیق و توسعه و استفاده از فناوری‌های پیشرفته تأکید دارد. رهبر انقلاب، اقتصاد دانش‌بنیان را از ارکان اقتصاد مقاومتی برشمرده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳). ساختار اجتماعی مناسب برای چنین اقتصادی، ساختاری است که در آن نخبگان علمی و فناور ارزشمند شمرده می‌شوند، فضای نقد و نوآوری فراهم است، و ارتباط مؤثری بین دانشگاه، صنعت و دولت برقرار است. اقتصاد مقاومتی با ایجاد تقاضای مؤثر برای محصولات و خدمات دانش‌بنیان داخلی (به دلیل ضرورت خودتکایی)، بازار پررونقی برای شرکت‌های دانش‌بنیان ایجاد کرده و چرخه‌علم، ثروت و قدرت را به حرکت درمی‌آورد.

علاوه بر این، رویکرد بومی‌سازی در معرفت‌شناسی اقتصاد مقاومتی، به معنای تولید علم بومی و متناسب با شرایط ایران است. این امر باعث می‌شود پیشرفت حاصل شده، ریشه در جامعه داشته باشد و پایدار باشد. در نتیجه، پیشرفت پایدار و دانش‌بنیان ناشی از تحقق ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی، الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را از یک سند آرمانی به یک واقعیت ملموس و پویا تبدیل می‌کند که می‌تواند الهام‌بخش دیگر جوامع در حال توسعه، به ویژه جهان اسلام، باشد.

۴-۴-۵- نهادسازی اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی

نهادسازی اجتماعی به‌عنوان یکی از ارکان تحقق اقتصاد مقاومتی، در اندیشه رهبر معظم انقلاب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این نهادها باید به گونه‌ای طراحی شوند که ارزش‌های اسلامی همچون عدالت، امانتداری، مشارکت و مسئولیت‌پذیری را در عرصه اقتصادی نهادینه کنند. اولین رکن این نهادسازی، تقویت نهاد خانواده به‌عنوان هسته اولیه جامعه است. خانواده در اسلام نه تنها واحد تولید مثل، بلکه کانون تربیت نیروی انسانی متعهد و کارآمد محسوب می‌شود. اقتصاد مقاومتی با حمایت از مشاغل خانگی و تقویت اقتصاد خانواده، زمینه‌ساز استحکام این نهاد می‌گردد. مطالعات نشان می‌دهند که خانواده‌های

مستحکم، نقشی کلیدی در انتقال ارزش‌های کاری و انضباط اقتصادی به نسل آینده دارند (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۲۳). نهاد دوم، نهاد وقف و امور خیریه است که در تاریخ تمدن اسلامی کارکردهای اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای داشته است. در چارچوب اقتصاد مقاومتی، نهاد وقف می‌تواند به عنوان ابزاری برای تأمین مالی پروژه‌های عام‌المنفعه، تحقیقاتی و زیرساختی مورد استفاده قرار گیرد. این نهاد با بسیج منابع مردمی، وابستگی به بودجه دولتی را کاهش داده و مشارکت اجتماعی را افزایش می‌دهد. رهبر معظم انقلاب با تأکید بر احیای سنت وقف، آن را به عنوان "ذخیره‌ای الهی" برای حل معضلات جامعه معرفی کرده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۸۶: پیام به اجلاس سراسری اوقاف). نهاد سوم، تعاونی‌ها به‌عنوان الگویی اسلامی از مشارکت اقتصادی هستند. تعاونی‌ها با ترکیب مالکیت خصوصی و مدیریت جمعی، همسو با ارزش‌های اسلامی چون تعاون، احسان و عدالت می‌باشند. در اقتصاد مقاومتی، توسعه تعاونی‌ها در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات می‌تواند به کاهش بیکاری، توزیع عادلانه ثروت و افزایش بهره‌وری بینجامد. بر اساس آمارهای رسمی، سهم تعاونی‌ها در اشتغال‌زایی و تولید ناخالص داخلی در صورت حمایت‌های هدفمند قابل افزایش است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸: ۷۸). نهاد چهارم، نظام مالی اسلامی است که بر اساس اصولی چون حرمت ربا، مشارکت در سود و زیان و توجه به فعالیت‌های مولد اقتصادی شکل گرفته است. در چارچوب اقتصاد مقاومتی، توسعه بانکداری اسلامی و مؤسسات مالی غیرربوبی می‌تواند به تخصیص بهینه منابع، کاهش سفته‌بازی و تقویت بخش واقعی اقتصاد کمک کند. این نهاد همچنین با جذب سرمایه‌های راکد مردمی، امکان تأمین مالی پروژه‌های بزرگ مقیاس را فراهم می‌آورد (صدر، ۱۳۷۹: ۲۰۵). نهاد پنجم، نهادهای نظارتی مردمی است که با الهام از اصل "امر به معروف و نهی از منکر" شکل می‌گیرند. این نهادها با نظارت بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی و دستگاه‌های دولتی، از فساد اقتصادی، اسراف و تبذیر جلوگیری می‌کنند. شفافیت و پاسخگویی از جمله کارکردهای اصلی این نهادها است که در اقتصاد مقاومتی مورد تأکید قرار گرفته است. در مجموع، نهادسازی اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، اقتصاد مقاومتی را از یک سیاست کوتاه‌مدت به یک گفتمان پایدار تبدیل می‌کند که ریشه در فرهنگ و باورهای جامعه دارد.

۵-۴-۵- تقویت گفتمان پیشرفت اسلامی-ایرانی در مقابل گفتمان‌های رقیب

گفتمان پیشرفت اسلامی-ایرانی در تقابل با گفتمان‌های مسلط توسعه غربی و شرقی، نیازمند پشتوانه‌های نظری و عملی قدرتمندی است که اقتصاد مقاومتی به عنوان بخشی از این گفتمان می‌تواند آن را فراهم آورد. تقویت این گفتمان از طریق چند مکانیسم اصلی امکان‌پذیر است: نخست، بازتعریف مفاهیم کلیدی توسعه بر اساس مبانی اسلامی و شرایط بومی ایران. در گفتمان غربی، توسعه عمدتاً با شاخص‌های مادی و کمی مانند رشد تولید ناخالص داخلی سنجیده می‌شود، حال آنکه در الگوی اسلامی-ایرانی، مفاهیمی مانند "تعالی روحی"، "عدالت اجتماعی" و "اخلاق اقتصادی" نیز وارد معادله توسعه می‌شوند. اقتصاد مقاومتی با تأکید بر "پیشرفت مادی همراه با تکامل ملکوتی"، این بازتعریف را عینیت می‌بخشد. دوم، ایجاد روایت موفقیت بر اساس تجربیات عملی اقتصاد مقاومتی است. گفتمان‌های رقیب، عمدتاً با ارائه نمونه‌های موفق کشورهای غربی یا شرقی به جذابیت خود می‌افزایند. بنابراین، موفقیت‌های داخلی در عرصه‌هایی مانند خودکفایی در تولید محصولات استراتژیک، رشد فناوری‌های بومی و مهار تورم در شرایط تحریم، باید به دقت مستندسازی و تبلیغ شوند. این روایت‌سازی می‌تواند اقلیت‌کننده‌تر از نظریه‌پردازی‌های محض باشد. به عنوان مثال، دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز یا تولید واکسن در دوران تحریم، مصداق‌های عینی از کارآمدی اقتصاد مقاومتی هستند که توسط رهبر معظم انقلاب بارها مورد اشاره قرار گرفته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: دیدار با نخبگان علمی). سوم، نقد گفتمان‌های رقیب از منظر اسلامی و علمی است. اقتصاد مقاومتی نه رویکردی انزواگرا، بلکه گفتمانی انتقادی است که کاستی‌های نظام سرمایه‌داری و سوسیالیستی را نشانه می‌گیرد. از منظر اسلامی، سرمایه‌داری با محوریت سود فردی و بی‌توجهی به عدالت، و سوسیالیسم با نفی مالکیت خصوصی و آزادی‌های اقتصادی، هر دو ناقص هستند. این نقد باید با استناد به بحران‌های اقتصادی جهانی مانند بحران مالی ۲۰۰۸ و نابرابری‌های فزاینده در جوامع غربی همراه شود. همچنین، ناکارآمدی الگوهای وارداتی توسعه در کشورهای جهان سوم نیز باید مورد تحلیل قرار گیرد. چهارم، جذب نخبگان و شبکه‌سازی بین‌المللی است. تقویت گفتمان پیشرفت اسلامی-ایرانی نیازمند جلب حمایت نخبگان علمی، اقتصادی و فرهنگی داخل و خارج است. تشکیل اندیشه‌های تخصصی، انتشار مجلات علمی بین‌المللی با محوریت اقتصاد مقاومتی و برگزاری کنفرانس‌های منطقه‌ای می‌تواند به گسترش این گفتمان کمک کند. همچنین، ایجاد ائتلاف با

کشورهای در حال توسعه که منافع مشترکی در مقابله با هژمونی اقتصادی غرب دارند، ضروری است. رهبر معظم انقلاب بر لزوم "همکاری‌های جنوب-جنوب" و "اتحاد دنیای اسلام" در برابر نظام سلطه تأکید کرده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: سخنرانی در اجلاس سران جنبش عدم تعهد). پنجم، تحول در نظام آموزشی و رسانه‌ای به منظور درونی‌سازی گفتمان اقتصاد مقاومتی است. کتاب‌های درسی، برنامه‌های دانشگاهی و تولیدات رسانه‌ای باید مفاهیم اقتصاد مقاومتی و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را به زبانی ساده و جذاب انتقال دهند. این امر به ویژه برای نسل جوان که در معرض شدید گفتمان‌های رقیب از طریق فضای مجازی است، حیاتی می‌باشد. آموزش مهارت‌های اقتصادی مبتنی بر خوداتکایی و کارآفرینی، بخشی از این تحول است. در نهایت، تقویت گفتمان پیشرفت اسلامی-ایرانی در گرو عمل بهینه نظام سیاسی در اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. هرگونه ضعف در اجرا، فساد اقتصاددینا، ناکارآمدی مدیریتی، بهانه‌ای برای تضعیف این گفتمان توسط رقبا فراهم می‌آورد. بنابراین، شفافیت، پاسخگویی و بهبود مستمر شیوه‌های حکمرانی اقتصادی، شرط لازم برای مقبولیت و ماندگاری گفتمان اقتصاد مقاومتی در مقابله با گفتمان‌های رقیب است.

۶. نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با هدف تحلیل ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی در اندیشه رهبر معظم انقلاب و تبیین نقش آن به عنوان بستر تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که اقتصاد مقاومتی در منظومه فکری رهبر انقلاب، صرفاً یک راهبرد اقتصادی مقطعی یا مجموعه‌ای از سیاست‌های کلی نیست، بلکه یک «ساختار اجتماعی مقاوم» است که با تکیه بر مؤلفه‌های درهم‌تنیده نهادی، ارزشی و کنشگری، ظرفیت تبدیل تهدیدات به فرصت و تضمین پویایی اقتصاد ملی در شرایط فشار را فراهم می‌آورد. این ساختار اجتماعی که بر محورهای مردمی‌بودن اقتصاد، عدالت‌محوری، فرهنگ‌سازی، دانش‌بنیانی، درون‌زایی، حاکمیت قانون و مدیریت جهادی استوار است، نه تنها اقتصاد را در برابر تکانه‌های خارجی مقاوم می‌سازد، بلکه آن را به سمت پیشرفت پایدار و همه‌جانبه هدایت می‌کند.

در این راستا، پژوهش حاضر مؤلفه‌های کلیدی ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی را در اندیشه رهبری استخراج و تحلیل نمود. این مؤلفه‌ها شامل مشارکت عمومی و مردمی‌سازی اقتصاد، عدالت اجتماعی به عنوان ستون فقرات پایداری نظام اقتصادی، فرهنگ‌سازی و اصلاح سبک زندگی در راستای قناعت، کار و مصرف داخلی، دانش‌محوری و نخبه‌پروری به منزله موتور محرکه پیشرفت، درون‌زایی و کاهش وابستگی به عنوان راهبرد استقلال‌آفرین، حاکمیت قانون و بسترسازی حقوقی برای امنیت سرمایه‌گذاری، و در نهایت مدیریت جهادی و نقش هدایت‌گر حکومت در هماهنگی و حمایت از فرآیندهای اقتصادی هستند. هر یک از این اجزا در تعامل پویا با یکدیگر، شبکه‌ای منسجم را شکل می‌دهند که توان مقاومت و تاب‌آوری اقتصاد ملی را افزایش می‌دهد.

نسبت‌سنجی این ساختار با الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، گواه رابطه ارگانیک و مکملی بین این دو گفتمان است. الگوی پیشرفت به عنوان نقشه راه کلان و آرمانی نظام، غایاتی چون عدالت، استقلال، پیشرفت همه‌جانبه و تمدن‌سازی نوین اسلامی را ترسیم می‌کند، در حالی که اقتصاد مقاومتی به مثابه جلوه عینی و عملیاتی این آرمان‌ها در عرصه اقتصاد عمل می‌نماید. به عبارت دیگر، اقتصاد مقاومتی راهبرد سطح دوم و عملیاتی‌کننده الگوی پیشرفت در شرایط کنونی و در مواجهه با تهدیدات نظامی‌سازی شده اقتصادی دشمنان است. این الگو با تبدیل مفاهیم کلانی چون عدالت و استقلال به برنامه‌های اجرایی مانند ریشه‌کنی فقر، کاهش وابستگی به نفت، توسعه تولید ملی و تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان، مسیر تحقق آرمان‌های الگوی پیشرفت را هموار می‌سازد. علاوه بر این، اقتصاد مقاومتی با تأکید بر «مقاوم‌سازی» به الگوی پیشرفت قید امنیتی و پدافندی می‌افزاید و تضمین می‌کند که دستاوردهای پیشرفت در برابر فشارهای خارجی آسیب‌ناپذیر بمانند. این نگاه، الگوی پیشرفت را از حالت آرمانی صرف خارج کرده و آن را به طرحی عمل‌گرا و زمینه‌ساز در جهان پرتلاطم کنونی تبدیل می‌کند. همچنین، اشتراک در مبانی ارزشی همچون عدالت‌خواهی، استکبارستیزی، عزت‌طلبی و علم‌گرایی، پیوند عمیق بین این دو گفتمان را نشان می‌دهد. اقتصاد مقاومتی درصدد است تا با تکیه بر خودباوری ملی و توانمندی‌های داخلی، عزت و استقلال اقتصادی را محقق سازد که این خود سنگ بنای تمدن نوین اسلامی در الگوی پیشرفت است.

پیامدهای تحقق ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی برای الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت نیز قابل توجه است. استقرار این ساختار می‌تواند به تحکیم عدالت اجتماعی و انسجام ملی بینجامد که از ارکان اصلی پیشرفت پایدار است. تأمین استقلال اقتصادی به‌عنوان پیش‌نیاز استقلال سیاسی، فضای مانور نظام را در عرصه بین‌الملل گسترش می‌دهد و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را افزایش می‌دهد. حرکت به‌سوی اقتصاد دانش‌بنیان و درون‌زا، پیشرفت پایدار و کم‌نوسانی را به ارمغان می‌آورد که کیفیت زندگی را ارتقا داده و بستر شکوفایی علمی و فرهنگی را فراهم می‌کند. همچنین، نهادسازی اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی در چارچوب اقتصاد مقاومتی، رفتارهای اقتصادی را سامان بخشیده و جامعه‌ای منسجم و مسئولیت‌پذیر شکل می‌دهد که هدف غایی الگوی پیشرفت است. در نهایت، عینیت‌یافتن دستاوردهای اقتصاد مقاومتی در زندگی مردم، مشروعیت و مقبولیت گفتمان پیشرفت اسلامی-ایرانی را افزایش داده و آن را در رقابت با الگوهای وارداتی تقویت می‌کند. با این حال، تحقق کامل این ساختار اجتماعی نیازمند همراهی و هماهنگی همه‌جانبه نهادهای حاکمیتی، بخش خصوصی و آحاد مردم است. مدیریت جهادی، دوری از راحت‌طلبی اداری، شفاف‌سازی، مبارزه با فساد و اصلاح مستمر قوانین از الزامات اجرایی شدن این الگو است. همچنین، فرهنگ‌سازی عمیق در راستای تغییر سبک زندگی و ترویج ارزش‌هایی چون قناعت، کار و مصرف داخلی، لازمه نهادینه شدن اقتصاد مقاومتی در بطن جامعه است. در پایان، این پژوهش نشان می‌دهد که اقتصاد مقاومتی در اندیشه رهبر معظم انقلاب، یک طرح اجتماعی-اقتصادی منسجم و بومی است که با ایجاد ساختاری مقاوم، پویا و عدالت‌محور، نه تنها پاسخگوی نیازهای دفاعی اقتصاد در برابر تهدیدات است، بلکه به‌عنوان بستر و مکمل راهبردی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت عمل می‌کند. موفقیت در این مسیر، علاوه بر اراده سیاسی و مدیریت جهادی، مستلزم تبدیل اقتصاد مقاومتی به گفتمان مسلط و عمل مشترک بین دولت و ملت است. به‌عبارتی، تحقق آرمان‌های والای الگوی پیشرفت در گرو استقرار ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی است که می‌تواند تاب‌آوری ملی را افزایش داده و جمهوری اسلامی ایران را در مسیر پیشرفت همه‌جانبه و تمدن‌سازی نوین اسلامی قرار دهد. این پژوهش می‌تواند مبنایی برای مطالعات بعدی در زمینه طراحی شاخص‌های سنجش ساختار اجتماعی اقتصاد مقاومتی و نیز بررسی تجربی نقش آن در تحقق اهداف الگوی پیشرفت باشد.

منابع

- ۱- اسفندیاری صفاء، خسرو؛ دهقان، حبیب‌الله. (۱۳۹۵). "مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری (حفظه‌الله تعالی)". *فصلنامه مدیریت نظامی*. دوره ۱۶، ش ۱، ۶۰-۸۴.
- ۲- جعفری، مهدی؛ قیصری، رجبعلی. (۱۴۰۰). *الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و اقتصاد مقاومتی*. تهران: نور علم.
- ۳- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۵). "بیانات در جمع روحانیون استان سمنان". بازیابی شده از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.
- ۴- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۶). "پیام به شرکت‌کنندگان در اجلاس سراسری اوقاف". بازیابی شده از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری.
- ۵- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۷). "بیانات در دیدار با کارآفرینان". بازیابی شده از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.
- ۶- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۸). "بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی‌الرضا(ع)". بازیابی شده از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.
- ۷- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۹). "بیانات در دانشگاه تهران". بازیابی شده از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.
- ۸- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۱). "بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت". بازیابی شده از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.
- ۹- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۱). "خطبه‌های نماز جمعه تهران". بازیابی شده از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری.
- ۱۰- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۲). "بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی". بازیابی شده از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.

- ۱۱- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۲). "سخنرانی در اجلاس سران جنبش عدم تعهد." بازیابی شده از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری.
- ۱۲- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۳). "بیانات در حرم مطهر رضوی." بازیابی شده از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.
- ۱۳- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۴). "بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت." بازیابی شده از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.
- ۱۴- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۹). "دیدار با جمعی از نخبگان علمی." بازیابی شده از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری.
- ۱۵- ذوعلم، علی. (۱۳۹۳). *الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت؛ پیش‌نیازها، اصول و آسیب‌ها*. تهران: نشر الگوی پیشرفت.
- ۱۶- رستم‌زاده، پرویز؛ پناهی، مجتبی. (۱۳۹۴). "نسبت‌شناسی «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» و اقتصاد مقاومتی." ارائه شده در همایش توسعه پایدار یزد در بستر *اقتصاد مقاومتی*. بازیابی شده از <https://civilica.com/doc/468193>
- ۱۷- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۵). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: سروش.
- ۱۸- صدر، سید محمدباقر. (۱۳۷۹). *اقتصادنا*. (موسوی، محمدکاظم. مترجم). ج ۱. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۱۹- قدیم ملالو، علی؛ میرزائیان اردکانی، محمد؛ میرزایی سنگتراشانی، سید مظاهر. (۱۳۹۴). "اقتصاد مقاومتی؛ الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت." ارائه شده در *اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی*. بازیابی شده از <https://civilica.com/doc/445304>
- ۲۰- کلانتر، اسدالله؛ امرایی، فرید. (۱۳۹۱). "اقتصاد مقاومتی، تولید داخل و حمایت از کار و سرمایه ایرانی." ارائه شده در همایش ملی بررسی و تبیین *اقتصاد مقاومتی*. رشت.
- ۲۱- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۸). *سالنامه آماری کشور ۱۳۹۷*. تهران: انتشارات مرکز آمار ایران.

-
- 22- Gellner, E. (1983). *Nations and Nationalism*. Ithaca: Cornell University Press.
 - 23- Harding, S. (1987). *Feminism and Methodology*. Bloomington: Indiana University Press.
 - 24- Putnam, R. D. (1993). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*. Princeton: Princeton University Press.
 - 25- Shinoda, H. (2018). *Re-examining Sovereignty: From Classical Theory to the Global Age*. London: Palgrave Macmillan.
 - 26- Shinoda, T. (2018). *Japanese Politics*. London: Routledge.
 - 27- World Commission on Environment and Development (WCED). (1987). *Our Common Future*. Oxford: Oxford University Press.